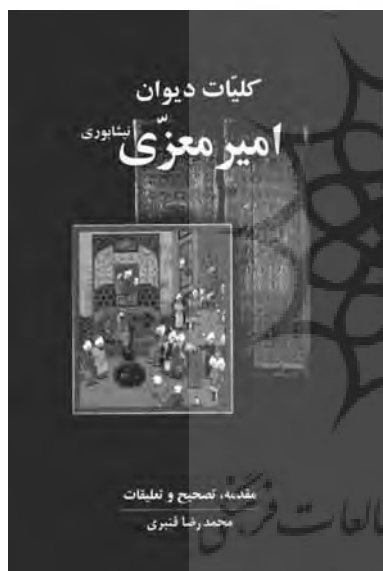


# تصحیحی جدید از دیوان امیر معزی

دکتر احمد رضا یلمه‌ها\*



کلیات دیوان امیر معزی نیشابوری  
مقدمه و تصحیح و تعلیقات از محمد رضا قنبری  
انتشارات زوار، ۱۳۸۵

هر چند دیوان مصحح استاد اقبال همچنان که مصحح در مقدمه بدان اشارت کرده، بر اساس نسخ متأخر صورت گرفته (سه نسخه، یکی متعلق به مصحح، مکتوب در عهد صفویه بدون تاریخ، دیگری نسخه اهدایی سعید نفیسی به مصحح و دیگری نسخه اهدایی سید نصرالله تقوی با تاریخ کتابت نامعلوم)، لیکن تا امروز مدون‌ترین و معتبرترین چاپ دیوان امیر معزی همین تصحیح می‌باشد.

تصحیح محمد رضا قنبری از دیوان این شاعر (با وجود اقرار به تمام زحماتی که مصحح در تدوین آن متحمل شده) به دلایل زیر نمی‌تواند تصحیح علمی و مستند از دیوان این شاعر باشد:

۱- نسخه اساس مصحح در تدوین دیوان، نسخه چاپی عباس اقبال می‌باشد (چنانکه مصحح در صفحه یکصد مقدمه بدان اشاره کرده) و این بالاترین ایراد این متن به حساب می‌آید. چراکه اساس قراردادن یک

آخرین تصحیحی که از دیوان امیر معزی نیشابوری، شاعر معروف قرن ششم و معروف‌ترین شاعر عصر سلاجقه، صورت گرفته کتاب «کلیات دیوان امیر معزی نیشابوری» با مقدمه تصحیح و تعلیقات محمد رضا قنبری است که در زمستان ۱۳۸۵ از سوی انتشارات زوار به چاپ رسیده است. پیش از چاپ این کتاب، دیوان امیر معزی در سال ۱۳۱۸ توسط استاد فقید عباس اقبال آشتیانی در ۱۸۶۲۳ بیت شامل قصاید، غزلیات، مقطعات، ترکیبات، رباعیات و اضافات نسخ از طرف کتابفروشی اسلامیة در تهران به طبع رسیده و پس از آن ناصر هیروی در سال ۱۳۶۲ دیوان امیر معزی را عیناً از روی نسخه چاپی مرحوم اقبال تجدید چاپ کرده و در پایان نیز لغت‌نامه‌ای الفبایی شامل واژگان دشوار به همراه فهرستی از اشعار دیوان به ترتیب حروف قافیه بدان پیوسته نموده است.



## مصحح هیچ اشاره‌ای به نسخه یا نسخ کمکی که در دست داشته و در تصحیح قیاسی بدان متوسل شده نکرده و تنها در مقدمه اشاره کرده است که «به بعضی از تذکره‌ها و چنگ‌ها و مجموعه‌ها که شعر معزی را در خویش داشت مراجعه کردیم»

نسخه چاپی عباس اقبال (و نسخه چاپی محمدرضا قنبری) بسیاری از اغلاط، تصحیفات، تحریفات، ابهامات و اسقاطات دیوان این شاعر مرتفع می‌گردد. کاتبی دیگر به نام صدرالدین محمدبن جعفر معمار اصفهانی به سال ۱۰۳۹ مجموعه‌ای نفیس از هشت شاعر مشتمل بر ۱۵۶ صفحه از اشعار دیوان امیر معزی را استنساخ کرده که این نسخه بسیار شبیه به نسخه مکتوب به سال ۷۱۳ هجری است

و گویا از روی همان نسخه کتابت گردیده که مصحح ارجمند ظاهراً از وجود هر دو نسخه بی‌اطلاع بوده و در تصحیح دیوان از هیچ‌کدام از این نسخه‌های ارزشمند استفاده نکرده است.

نکته دیگر اینکه مصحح در پاورقی صفحه یکصد نوشته است «همشهری دانشمند این بنده زنده‌یاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه آملی در مقاله‌ای می‌نویسد: آقای اتینگهاوزن را دیدم. با ایشان درباره نسخه دیوان امیر معزی هاروارد (که) مصور و مورخ پانصد و اندی است گفت‌وگو کردم. فرمودند در اصالت تصویر چینی آن شک نمودم و می‌گفتند باید دوباره آن را ببینم. به ایشان گفتم نوشته‌هایی به انگلیسی در لای نسخه دیدم که نام شما هم بود (حدیث عشق، دفتر دوم، شماره ۳، ص ۴۶۷). این بنده با استمداد از استاد دانشور خودم حضرت آقای دکتر احمد مهدوی دامغانی که هم اینک در دانشگاه هاروارد به افاضه مشغولند، مستدعی فیلمی از نسخه توصیف‌شده در مقاله استاد دانش‌پژوه گردیدم که با همه مهربانی استاد عذیم‌التظیر و نامه‌نگاری معزی‌الیه به کتابخانه دانشگاه هاروارد، دسترسی به نسخه موصوف مقدور نگردید. شاید وقتی دستیابی به این نسخه میسر گردد که گفته‌اند: الامور مرهونه باوقاتها. اگر چه از استاد شفיעی کدکنی شنیدم که نسخه مذکور را جاعلان برای حطام دنیوی ساخته و پرداخته‌اند! و وجود چنین نسخه‌ای حقیقت ندارد.» (پایان نوشته محمدرضا قنبری)

گفتنی است نسخه موصوف، مکتوب به سال ۵۵۱ هجری، مشتمل بر منتخبی از اشعار امیر معزی است که عکس این نسخه در یکی از کتابخانه‌های ایران (که از دادن نشانی دقیق آن قبل از چاپ دیوان

نسخه چاپی در تصحیح فاقد ارزش علمی است.

۲ - در بسیاری از موارد که نسخه چاپی عباس اقبال با اسقاطات و افتادگی‌ها چاپ گردیده (مثلاً مصراع دوم شعر به کلی محذوف است)، مصحح جدید به تصحیح ذوقی و قیاسی ابیات و مصاریع پرداخته است.

۳- مصحح هیچ اشاره‌ای به نسخه یا نسخ کمکی که در دست داشته و در تصحیح قیاسی بدان

متوسل شده نکرده و تنها در مقدمه (صفحه یکصد) اشاره کرده است که «به بعضی از تذکره‌ها و چنگ‌ها و مجموعه‌ها که شعر معزی را در خویش داشت مراجعه کردیم».

۴- عنوان قصاید که در تصحیح استاد اقبال مذکور است به همراه حاشیه‌نویسی‌ها، تمامی در نسخه چاپی ایشان محذوف است.

۵- بسیاری از ابیات از متن دیوان ساقط گردیده و یا ابیات با جابه‌جایی فراوان ضبط گردیده است.

تنها ارزشی که می‌توان برای این تصحیح قائل شد مقدمه و تعلیقات دیوان و فهرستی از اشعار این شاعر است (البته این فهرست‌ها پیش از آن در چاپ هیبری نیز موجود بود) و گرنه بقیه دیوان حروفچینی دیوان مصحح عباس اقبال است که همراه با اغلاط چاپی جدید به انضمام تصحیحات قیاسی و ذوقی مصحح صورت گرفته که بسیاری از این تصحیحات مغلوط و نابجاست.

احتجاج و استدلال مصحح از این که نسخه چاپی استاد اقبال را به عنوان نسخه اساس خود قرار داده هم این است که از دیوان امیر معزی نسخه‌ای که زودتر از قرن یازدهم هجری کتابت شده باشد وجود ندارد. گفتنی است که منتخبی از دیوان این شاعر مکتوب به سال ۷۱۳ هجری به خط کاتبی موسوم به عبدالمؤمن علوی کاشی به خط خوش متمایل به ثلث موجود است که اصل این نسخه در کتابخانه ایندیا آفیس انگلستان نگهداری می‌شود و علامه قزوینی از اصل این نسخه عکس برداشته و آن عکس موجود و یک نسخه از کپی این نسخه عکسی نیز در اختیار نگارنده است و با مقابله و مقایسه این نسخه بسیار ارزشمند با

معذورم!) و یک نسخه از کپی این نسخه عکسی نیز در اختیار بنده است که در تصحیح بسیاری از ابیات دیوان این شاعر کارساز می‌باشد.

از مقدمه که بگذریم وقتی به مقابله و مقایسه دیوان چاپی آقای قنبری با نسخه مصحح عباس اقبال می‌پردازیم تنها تفاوتی را که در این دو چاپ از دیوان (در متن دیوان) می‌بینیم وجود بسیاری از اغلاط چاپی به همراه بسیاری از تصحیحات قیاسی و ذوقی است که چنانکه اشاره گردید مشخص نیست که این تصحیحات که مصحح در میان قلاب گذاشته با استفاده از چه نسخه یا نسخ کمکی صورت گرفته است.

تفاوت دیگر این که اغلاط تاییبی (شامل حدود یکصدو بیست مورد) که در پایان دیوان چاپی عباس اقبال با عنوان غلطنامه آمده و استاد اقبال خواسته‌اند که این اغلاط اصلاح گردد، در نسخه چاپی جدید وارد متن گردیده است. و الا در متن دیوان حتی اغلاط فاحشی را که بر هر خواننده‌ای روشن و آشکار است، مصحح جدید از تصحیح و تنقیح آنها صرف‌نظر نموده است.

نگارنده از آنجا که چند سالی است دست در کار تصحیح دیوان این شاعر دارم و نسخ متعددی از دیوان این شاعر را از نظر گذرانده‌ام (از جمله نسخ مذکور) با مقابله و مقایسه دیوان چاپی محمدرضا قنبری با نسخ قدیمی موجود، اغلاط، تحریفات و تصحیفات فراوانی را مشاهده کردم که ذکر همه این اغلاط خود نسخه جدیدی از دیوان این شاعر را به وجود می‌آورد و فقط برای نمونه به ذکر برخی از این تصحیفات و تحریفات اشاره می‌کنم تا اغلاط این تصحیح بر خوانندگان دیوان این شاعر مکشوف گردد.

اغلاط موجود در متن دیوان از گونه‌های مختلف است. در بسیاری از ابیات، متن چاپی نسخه اساس با تحریفات فراوان تجدید چاپ گردیده، و یا به دلیل نبودن نسخه متقدم و معتبر بسیاری از ابیات به صورت ترکیب دو بیت در یک بیت و یا با جابه‌جایی مصاربع چاپ گردیده است. تصحیفات ذوقی مغلوط از ابیات و اغلاط تاییبی، از دیگر وجوه تحریفات متن دیوان است که چنانکه اشارت گردید بیشتر این تحریفات به دلیل عدم مراجعه مصحح به نسخ قدیمی و اکتفا به نسخه‌های مغشوش و مغلوط چاپی است.

### ص ۵ بیت ۲۶:

ای شهریار عادل می‌خور که خصم بد دل  
چون مرغ نیم بسمل در دام توست [دروا]  
در نسخه چاپی عباس اقبال به جای واژه «دروا»، «سیما» ضبط

شده که آن هم مغلوط است. در نسخه مکتوب به سال ۷۱۳ به جای دروا، «شیدا» به معنی سرگشته مضبوط گردیده است.

### ص ۶ بیت اول:

فتح تو گویم اکنون هر ساعتی مکرر  
مدح تو گویم اکنون هر لحظه ای مثنا  
بر اساس نسخ در دست نگارنده، به جای واژه مکرر «گویم» در مصراع ثانی، «خوانم» صحیح است.

### ص ۱۱ بیت ۳:

گر دلیلی باید این را هست کردارت دلیل  
ور گواهی باید این را هست کردارت گوا  
به جای «کردارت» مکرر در مصراع دوم، «گفتارت» صحیح است که با بیت قبل دیوان نیز سازگارتر است.

### ص ۴۰ بیت اول:

خمیده ماه به شکل کمان زین نور  
جهنده رجم شیاطین چو بسدین نشاب  
به جای واژه بی‌ارتباط «نور» که در نسخه چاپی عباس اقبال نیز مضبوط است، «توز» صحیح است.

### ص ۴۵ بیت ۴:

به باغ و راغ مگر ابر و باد داشته‌اند  
به توده عنبر ناب و به رشته در خوشاب  
بیت در وصف بهار است و به جای «داشته‌اند» در اقدام نسخ «دادستند» ضبط شده که اصح است.

### ص ۴۵ بیت ۲۵:

دو دست بخل ز جود تو بر شده‌ست بلند  
دو چشم جور ز عدل تو در شده‌ست به خواب  
به جای نیم مصراع «بر شده است بلند»، در نسخ متقدم «در شده است به بند» مضبوط است که صحیح هم چنین است.

### ص ۴۸ بیت ۲۵:

تا روی نیکوان بود از قطره‌های خون  
چونانکه برچکد به گل سرخ بر گلاب  
در نسخه مکتوب به سال ۵۵۱ هجری، به جای «خون»، «خوی» ضبط گردیده که با مفهوم بیت سازگارتر است.

### ص ۵۴ بیت ۲۰:

تیغ تو ابر بود و سپر آفتاب بود



**در بسیاری از موارد که  
نسخه چاپی عباس اقبال  
با اسقاطات و افتادگی‌ها  
چاپ گردیده، مصحح جدید  
به تصحیح ذوقی و قیاسی ابیات  
و مصاریع پرداخته است.**

ساقط گردیده است.  
هر نام که بی حکم تو باشد همه  
ننگ است  
هر فخر که بی امر تو باشد همه  
عار است  
**ص ۸۲ بیت ۲۶:**  
اجرام فلک را به هوای تو مسیر  
است  
زیرا که فلک را به مدار تو مدار  
است  
به جای واژه نامناسب مدار  
(اول)، «مراد» صحیح است «به مراد

تو مدار است».

**ص ۸۶ بیت ۱۹:**

باطل کند حسام تو چون معجز کلیم  
چندانکه حاسدان تو را سحر و تئیل است و تئیل به معنی  
بر اساس عموم نسخ در دست نگارنده، صورت صحیح مصراع ثانی  
چنین است «چندانکه حاسدان تو را سحر و تئیل است» و تئیل به معنی  
مکر و جادو در اشعار دیگر امیر معزی به کار رفته است (چنانکه مصحح  
خود در صفحه ۸۶۲ تعلیقات بدان اشاره کرده است).

**ص ۹۶ بیت ۱۶:**

اندیشه نداند که شعار هنرش چند  
کاندیشه قلیل است و هنرهاش کثیر است  
به جای واژه نامناسب و بی ارتباط «شعار»، «شمار» صحیح است.  
(البته مصحح سعی کرده با مراجعه به تذکرها و مجموعه‌ها تا آنجا که  
امکان پذیر است، به تصحیح شعر امیر معزی اهتمام کند. (رک. مقدمه  
ص یکصد) و به تصحیح چنین تحریفی واضح اهتمام نورزیده است. در  
بیت بیست و چهارم همان صفحه از متن دیوان می خوانیم که:  
عفو تو گه مهر تو آبی ز بهشت است  
خشم تو گه کینه عذابی ز سعیر است  
در عموم نسخ در دست نگارنده، مصراع اول چنین است: «عفو تو گه  
مهر تو آبی ز بهشت است» که صحیح بیت هم، چنین است.

**ص ۱۰۹ بیت ۱۸:**

آن خداوندی که او بر پادشاهان پادشاست

کردند جنگیان تو خم ابر و  
آفتاب  
به جای «خم» که در نسخه  
چاپی استاد اقبال نیز تحریف  
گردیده، در نسخه مکتوب به سال  
۷۱۳ «ضم» مضبوط است.  
**ص ۶۷ بیت ۱۵:**  
شکفته شد بهر آنجا که همّت  
تو رسید  
به عقل و طبع مگر همّت تو  
باد صباست

و صواب طبق اقدم نسخ و  
عموم نسخ دیگر «به فعل و طبع» است.

**ص ۷۴ بیت اول و دوم:**

طبعم ز بوی همّت تو تازه چون شده‌ست  
گر خاک درگه تو جو زر عیار نیست  
جانم به خاک درگه تو شاد چون شده‌ست  
گر بوی همّت تو جو ابر بهار نیست  
بر اساس عموم نسخ در دست نگارنده، مصاریع دوم ابیات مزبور  
جابه‌جا و نیز به جای «ابر» در مصراع آخر، «باد» صحیح است.

**ص ۷۶ بیت ۱۶:**

بگذشت ز اعتدال همه کارهای او  
کس را از او کنون طمع اعتذار نیست  
به جای واژه نامناسب «اعتدال»، «اعتداد» صحیح است.

**ص ۷۹ بیت چهارم:**

مدایح تو همه مدح ما بیفروزد  
که طبع ما صدف است و مدیح تو درر است  
صواب بر اساس عموم نسخ «مدایح تو همی طبع» است که با  
مصراع دوم نیز تناسب معنایی دارد.

**ص ۸۲ بیت ۲۲:**

ماننده آب است حسام تو ولیکن  
این است که از خون اعادیش بخار است  
صورت صحیح مصراع دوم بر اساس عموم نسخ چنین است: «ابری  
است که از خون اعادیش بخار است». و بیت بعد آن نیز از ضمن قصیده

مستحق عدت و مجد و جلال و کبریاست

در جمیع نسخ به جای «عدت»، عزت آمده که با مفهوم بیت سازگارتر است.

### ص ۱۰۹ بیت ۲۰:

اوست معبودی به وصف لایزال و لم یزل

لم یزل او را سریر و لایزال او را سراسر

به جای مصراع محرف دوم، در اقدم نسخ چنین مضبوط است

«لم یزل او را سزید و لایزال او را سزاست».

### ص ۱۱۰ بیت ۱۵:

رحمت و حرمان خویش از فضل او داند همی

هر که در رنجی گرفتار و به دردی مبتلاست

به جای «رحمت و حرمان» در اقدم نسخ «راحت و درمان» ضبط

شده که با مفهوم مصراع ثانی سازگارتر است.

### ص ۱۱۸ بیت ۸:

از دهن افسار گردد هر که با تو سر کشد

وانکه سر بر خط نهد شایسته افسر شود

به جای عبارت «از دهن» که در نسخه چاپی استاد اقبال نیز به

اشتباه ضبط گردیده، «از در» صحیح است و بیت بعد این قصیده نیز از متن دیوان ساقط گردیده است.

### ص ۱۲۳ بیت ۴:

ایا متابع امر تو حاضر و غایب

و یا مسخر حلم تو مهتر از کهزاد

بیت مزبور از ابیاتی است که دو بیت در یک بیت ترکیب و تخلیط

شد و مصاریح دوم و سوم ساقط گردیده است در نسخه چاپی عباس اقبال

به جای «کهزاد»، «کشواد» ضبط شده که آقای قنبری با جایگزینی

«کهزاد» به جای «کشواد» (که البته آن نیز باید در میان قلاب می آمد)

گمان کرده اند مفهوم بیت روشن تر می گردد. در نسخه مکتوب به سال

۷۱۳ بیت مزبور بدین صورت مضبوط است:

ایا متابع امر تو حاضر و غایب

و یا مسخر حکم تو بنده و آزاد

کمینه پهلوی تو هست برتر از گرگین

کهینه حاجب تو هست مهتر از کشواد

### ص ۱۴۷ بیت ۱۱:

تا ندیدم زلف چنبردار عنبر بوی او

می ندانستم که چنبر بوی چون عنبر دهد

به جای «چنبردار»، «چنبروار» صحیح است که در دیگر ابیات

دیوان این شاعر مکرراً مشهود است و این تحریف (تحریف واو به دال)

در کلمات دیگر نیز مشاهده می شود. مثلاً این بیت:

اگر آن زلف زره دار سلاحش نبود

خسته ناوک آن نرگس خونخوار بود

و صواب زرهوار است.

### ص ۱۵۵ بیت دوازدهم:

ابری است حسام تو که هنگام عداوت

از خون دل و چشم معادی خطر آرد

به جای واژه بی ارتباط و نامناسب «خطر» (که در بیت بعد نیز به

عنوان قافیه تکرار گردیده) مطر صحیح است.

### ص ۱۵۷ بیت ۲۴:

زمشرق تا حد مشرق شناسد هر که دین دارد

که دین رونق به تأیید امیرالمومنین دارد

مصحح عبارت «زم مشرق تا حد مغرب» را که در نسخه چاپی عباس

اقبال نیز آمده نپسندیده و به صورت عبارت مزبور ضبط کرده است. اگر

در فهرست اشعار (ص ۱۰۵۱) نیز به صورت مغلوط مزبور نیامده بوده،

خواننده آن را به حساب غلط تاپیی می گذاشت.

### ص ۱۵۸ بیت اول:

جهان تنگ است بر اعدا به سان حلقه خاتم

[که انگشت جهانبانی همی زیر نگین دارد]

مصراع دوم در نسخه چاپی استاد اقبال، با افتادگی به صورت

نقطه چین ضبط گردیده است. آقای قنبری مشخص نیست مصراع ثانی

را بر اساس کدام نسخه تصحیح کرده و داخل قلاب گذاشته اند. (شاید

هم به ذوق وقاد ایشان باید مراجعه کرد!) در اقدم نسخ مصراع ثانی چنین

است «ز بهر آنکه او مهر خلافت بر نگین دارد».

### ص ۱۹۳ بیت ۱۶:

اگر به شقه زرش مغرق است کلاه

وگر به کوکب سیمش مزین است کمر

به جای واژه نامناسب «شقه»، «شفشه» به معنی شمش طلا

و نقره صحیح است که در اشعار دیگر امیر معزی مکرراً مشهود

است (چنانکه مصحح در تعلیقات صفحه ۹۲۸ به توضیح این کلمه

پرداخته است).



بعد از این بیت، چهار بیت از این قصیده ساقط گردیده است.

### ص ۳۰۱ بیت دوم:

رفتی زدار مملکت خویش ناگهان  
باز آمدی مظفر و پیروز و کامکار  
در جمیع نسخ در دست  
نگارنده، به جای واژه «ناگهان»  
در مصراع اول، «کامران»  
مضبوط است که با مفهوم بیت  
سازگارتر است.

### ص ۳۲۲ بیت ۱۲:

من ز دل گیرم قیاس [حال زار] خوشتن  
او ز من گیرد قیاس این دل نا بردبار  
به جای عبارت داخل قلاب، در نسخه چاپی استاد اقبال، نقطه چین  
آمده و در صفحه ۸۲۲ دیوان از همان مصحح، بیت مزبور به همراه  
قصیده کامل آن، مکرراً ذکر گردیده که بیت بالا بدون نقطه چین و  
به صوت کامل تصحیح شده است بدین صورت: «من ز دل گیرم به  
عشق اندر قیاس خوشتن» و آقای قنبری بدون مراجعه به قسمت  
اضافات نسخ نسخه چاپی استاد اقبال، بیت مورد بحث را به صورت  
مغلوط تصحیح ذوقی نموده‌اند.

### ص ۳۲۷ بیت ۱۸:

تا که دارد در جهان چون چشمه آب حیات  
دارم از تیار او چون آذر برزین جگر  
در جمیع نسخ در دست نگارنده، به جای واژه نامناسب «جهان» در  
مصراع اول، «دهان»، و در مصراع دوم به جای «تیار»، «تیمار» صحیح  
است و بیت بعد نیز از ضمن قصیده ساقط گردیده است.

### ص ۳۳۲ بیت ۱۸:

جامه و پیرایه‌ساز از بهر من گر عاشقی  
زین و پالان را [فروهل] از پی اسب و ستر  
مصراع دوم در نسخه چاپی استاد اقبال چنین است «زین و پالان را  
رها کن از پی اسب و ستر» و استاد اقبال «را رها کن» را در داخل قلاب  
قرار داده تا مشخص شود عبارت مذکور تصحیح ذوقی و قیاسی است. آقای  
قنبری این تصحیح را نپسندیده و بیت را به صورت مذکور تغییر داده‌اند که  
این هم صحیح نیست. در نسخه مکتوب به سال ۷۱۳ در دست نگارنده،

### ص ۱۹۷ بیت ۲۰:

هر روز بر درخت بیوشند جامه‌ای  
کش زر پخته بود بود سیم [خام] تار  
مصحح واژه «خام» را که در  
نسخه چاپی اقبال نیز به همین  
صورت مذکور است داخل قلاب  
قرار داده تا مشخص شود این  
واژه تصحیح قیاسی خود مصحح  
است!

### ص ۲۱۷ بیت ۱۱:

عیار و وزن چنین زر تو دانی از  
ملکان

که خاطر [ت] محک است و [عقول] تو عیار  
مصراع ثانی در نسخه چاپی استاد اقبال چنین است «که خاطر تو  
محک است و عقل تو عیار» و آقای قنبری با ذوق نقاد خود، مصراع را به  
صورت مذکور ضبط کرده‌اند. در نسخه مکتوب به سال ۷۱۳ مصراع دوم  
چنین است «که خاطر تو محک است و عقل تو معیار» و عیار نمی‌تواند  
قافیه بیت باشد؛ چرا که در بیت قبل نیز تکرار گردیده است.

### ص ۲۲۱ بیت ۱۴:

همیشه خلق جهان را تویی به عجز مشار  
چنانکه شاه جهان را تویی به خیر مشیر  
به جای واژه نامربوط «عجز» در مصراع اول، «فخر» صحیح و بیت  
در مدح مملوح است نه دم.

### ص ۲۲۴ بیت ۲۵:

گر هست رخس پاکتر از نقره صافی  
ور هست رخس سرخ تر از لاله احمر  
به جای واژه «رخس» مکرر در مصراع دوم، «لبش» صحیح است؛  
چرا که بیت بعد قصیده چنین است:

آن نقره صافی که نهفته است به سنبل  
وان لاله احمر که سرشته است به شکر

### ص ۲۴۳ بیت ۱۸:

وزان سبب همه کس روی در حجر مانند  
که سختی از لب سنگین او ربود حجر  
به جای واژه نامناسب «لب» در مصراع دوم «دل» صحیح است و

مصراع چنین ضبط گردیده است «زین و بالان چند سازی از پی اسب و ستر»، لازم به ذکر است که چنین تصحیفات ذوقی و قیاسی چندین بار در ضمن قصیده مذکور، در تصحیح آقای قنبری مشهود است که از آوردن تمامی آنها در این مجال اندک صرفنظر می‌کنیم.

### ص ۳۹۶ بیت اول:

نائب نتوان بود که بیکار بمانند  
ساقی و می و مطرب و قوال به شوال  
به جای واژه بی‌ارتباط «نائب» که در نسخه چاپی استاد اقبال نیز به صورت مغلوپ مذکور است «تائب» صحیح است و بیت در وصف عید فطر و آمدن ماه شوال است.

### ص ۳۹۶ بیت ۲۰:

گفتن نتوان مدح تو هرگز به تمامی  
سفتن نتوان کوه گران سنگ به مثقال  
به جای واژه نامناسب «سفتن» که در نسخه چاپی استاد اقبال نیز آمده «سختن» صحیح است.

### ص ۴۱۴ بیت ۱۵:

کرده بر جامه عمر تو علم دست بقا  
بسته بر نامه جاه تو [عُلا] دست دوام  
واژه داخل قلاب در نسخه چاپی استاد اقبال «سح» است که مصحح در کنار این واژه مبهم، علامت سؤال گذاشته‌اند. آقای قنبری «عُلا» را پسندیده و داخل قلاب قرار داده‌اند که البته آن هم صحیح نیست. صواب بر اساس عموم نسخ، سُحا (سحی) به معنی مُهرنامه و بند و نواری است که نوشته را بدان می‌بستند. بیت مزبور دعای شریطه و تأیید قصیده است و بیت بعد از آن نیز در ضمن قصیده ساقط گردیده است.

### ص ۴۳۸ بیت ۱۵:

اگر مهین خلاق تویی بدان منگر  
بدان نگر که تویی قطرهای ز ماء معین  
بیت مزبور در مرثیه تاج‌الدین خاتون مادر سنجر و سلطان محمود است و ترکیب «ماء معین» در عموم نسخ در دست نگارنده «ماء مهین» آمده که با مفهوم بیت سازگارتر است.

### ص ۶۰۲ بیت ۱۷:

کدام [شاه سر از خط کشید] و کین تو جست  
که خیره سر نشد از عاجزی و حیرانی  
مصحح عبارت داخل قلاب را که در نسخه چاپی عباس اقبال نیز

ضبط گردیده (بدون قلاب)، داخل قلاب قرار داده تا مشخص شود تصحیح قیاسی خود ایشان است؛ چراکه در صفحه یکصد مقدمه ذکر کرده است که «موارد تصحیح قیاسی را داخل قلاب نشان دادیم تا امکان اشتباه و التباس فراهم نگردد!»

### ص ۶۱۰ بیت ۱۴:

ز بس که تیغ تو لشکر شکست و شهر گشاد  
به باد داد سر خویشتن ز خیره‌سری  
بیت مزبور از ابیاتی است که دو بیت در یک بیت با تخلیط و ترکیب ضبط گردیده است. در نسخه مکتوب به سال ۵۵۱ هجری اصل بیت چنین است:

### ص ۶۱۷ بیت ۱۲:

ز بس که تیغ تو لشکر شکست و قلعه گشاد  
درست شد که خداوند نصرت و ظفری  
اگر مخالف تو باد داشت اندر سر  
به باد داد سر خویشتن ز خیره سری  
ص ۶۱۷ بیت ۱۲:  
در جهان‌داری تو را ایام بپسندد همی  
مهتران را کهتری حکم تو فرماید همی  
این بیت نیز از ابیاتی است که مصراع دوم و سوم آن ساقط گردیده و چهار مصرع در دو مصراع تخلیط شده است. در نسخه مکتوب به سال ۷۱۳ اصل بیت چنین است:

در جهان‌داری تو را ایام بپسندد همی  
در شهنشاهی تو را اقبال بستاید همی  
کهتران را کهتری رسم تو آموزد همی  
مهتران را کهتری حکم تو فرماید همی

و از این گونه ابیات در متن این دیوان فراوان است که یا با ترکیب دو بیت در یک بیت و یا با تحریفات و تصحیفات و افتادگی بسیاری از ابیات و یا با جابه‌جایی‌های فراوان مضبوط است که ذکر همگی این تحریفات خود نسخه جدیدی از دیوان این شاعر را تشکیل خواهد داد و نگارنده از ذکر همگی آنها در این مجال اندک معذور است.

### پی‌نوشت:

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.